زمانی که بحث دانش‌بنیان‌ها در کشور مطرح شد، اتفاق جدیدی در ایران رخ داد. در ۱۰ سال نخستی که فعالیت دانش‌بنیان در ایران شکل گرفت، حدود ۵ هزار شرکت دانش‌بنیان تاسیس شدند. طبیعی بود این شرایط و فضای جدید نیازمند آزمون و خطا و تجربه بود. ارزیابی شما نسبت به مسیر طی شده معاونت علمی ریاست جمهوری چگونه است؟

سال ۱۳۸۹ قانون حمایت از موسسات دانش‌بنیان شکل گرفت. زحمت این کار را هم آقای دکتر وفادارنیا کشید. باید از او تقدیر کرد. کمتر از دکتر وفادارنیا نام برده می‌شود، در حالی که زحمت فراوانی کشید. زمان حاکم نکرد سلطان‌خواه، هویت معاونت علمی، مقداری پرتزلگ شد. با همت رئیس جمهور وقت، معاونت علمی کمی شکل و سروسامان گرفت و مفهوم شرکت‌های دانش‌بنیان از دل آن قانون درآمد. همان زمان نیز شروع به ترغیب و تشویق شرکت‌ها کردند. در دوره آقای دکتر سارائی، این مفهوم کمی مفهوم‌تر (جریان کارآفرینی و استارتاپی) طرح گرفت. دوره‌ضوع به همدیگر پیوش فتند، شرکت‌های دانش‌بنیان به اضافه جریان‌وتب کارآفرینی و استارتاپی، بلوغ خیلی خوبی پیدا کرد؛ این اتفاقی بود که در گذشته افتاد. ۱۲، ۱۳ سال از قانون حمایت از موسسات می‌گذرد و بگ‌سری شرکت ایجاد شده‌اند. شرکت‌هایی نیز از قبل وجود داشته‌اند و دانش‌بنیان شده‌اند. به‌نظرم بزرگ‌ترین اتفاقی که افتاد جریان‌سازی موضوع علم و فناوری و اثر آن بر اقتصاد بود. علم و فناوری، بیشتر در قالب دانشگاه‌ها خلاصه می‌شد اما سر دیگری تحت عنوان شرکت‌های دانش‌بنیان پیدا کرد که مقداری سمت وسوی اقتصادی داشتند و تجاری‌شرکت بودند. کمی آن‌سر بیرون آمده و تبدیل به گفتمان شد. به سبب همین گفتمان نیز آدم‌های مختلفی در کشور پشت این جریان قرار گرفتند.

از ابتدا که پادمان می‌آید و حداقل از ۲۰ تا ۲۵ سال گذشته که شخصا به‌خاطر دارم، گفتمان رهبری در بحث علم و فناوری بدون هیچ تغییری، حمایت از جریان علم و فناوری کشور بوده‌است. به‌واسطه حمایت اینتفلوع دانش‌بنیان را بررسی کنید، می‌بینید عمدتا بر مبنای پیچیدگی فناوری و دست‌نیافتنی بودن تکنولوژی، طبقه‌بندی شده است. البته خوب است و کلی فایی نیست. اگر در نتیجه می‌بینیم شرکت‌هایی که با فناوری بالا کار می‌کنند و در اقتصاد، سهم زیادی به نوع ۳ و ۴ دست‌بندی می‌شوند و شرکت‌هایی که در موضوعات صرفا فناورانه و لبه علم دنیا فعالیت دارند، نوع یک تلقی شده‌اند. البته این بد نیست. تاکید می‌کنم اگر در لبه علم و فناوری فعالیت می‌کنیم حتما باید با حداقل‌ها در همه‌جای دنیا رقابت کنیم. فعالیت‌هایی که متناسب با نیازها و فرصت‌های روز کشور هستند، قطعا ارزنده‌تر خواهد بود؛ این نکته بسیار بدیهی است، بنابراین یکی از مناسبات تحول، سوق دادن نظام ارزیابی است. ارزیابی همیشه شروع مختصات محسوب می‌شود. ابتدا ارزیابی توده‌ای بود که می‌گویند درآمدهای مالیاتی شکر بوده‌اند مالیات‌ها. بعد ارزیابی‌ها بر مبنای تولید ناخالص داخلی است. اگر قرار باشد اینجا با نگرش ترویج و سرمایه‌گذاری به ماجراجاگه کنیم، حتما باید این قانون کده خواهد شد. چون در کشورمان مدعیانی پیدا می‌شوند که می‌گویند درآمدهای مالیاتی شکر بوده‌اند این قانون ارزیابی‌ها. چنانکه گفتم‌بلید مراقبت کنیم. تجربه آمده‌ای داریم که به ما می‌گوید جایی که درست مدیریت نشده، به‌ارای عربی واحد بوده‌اند. این‌روهایی که‌وقاها ایجاد می‌کنند، به‌ارای عربی واحد بوده‌اند. من معتقدم یکی از بزرگ‌ترین ناموریت‌های معاونت علمی، جریان‌سازی است. این گونه نیست که شرکت‌ها و اهمیت موضوع در توسعه فناوری باشد. ما این آسیب را نداریم؛ اما همه‌جای دنیا این‌گونه است. کار مهم معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری این است که جریان‌سازی کند. چون اصلا معنا ندارد